

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

درس هشتم فصل دوم : نگاهی به تاریخچه معرفت

- انسان از چهار طریق می تواند به معرفت برسد: **حس، عقل، شهود و وحی.**
- درباره ارزش این چهار راه ها و توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت و شناخت، همواره میان فیلسوفان گفت و گو بوده است؛ بحث های فراوانی به خصوص درباره میزان توانایی حس و عقل در شناخت واقعیت صورت گرفته است. گروهی به حس و گروهی دیگر به عقل اهمیت بیشتری داده و هر گروه هم دلایلی برای مدعی خود آورده اند.

❖ عقل یا حس

- **اولین دوره معرفت شناسی** به دوره **یونان** بازمی گردد.
- هر چند در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « **ارزش شناخت** » و **میزان انطباق شناخت انسان با « واقعیت »** از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.
- **پارمنیدس** از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کسانی بود که **شناخت حسی** را، به دلیل **خطاهایی** که گاه در **حواس** رخ می دهد، **معتبر نمی دانست** و تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. به همین دلیل پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.
- گروهی دیگر همچون **هراکلیتوس** چنین فکر می کردند که **شناخت حسی معتبر است** و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت قابل مشاهده حس است.
- بی اعتباری حس و عقل سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود، اصل امکان شناخت واقعیت را زیرسؤال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.

▪ پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد؛ یعنی هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد. پس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد.

▪ پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

▪ اعتبار حس و عقل در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو کوشیدند راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه های گریز از خطا را هم توضیح دهند.

▪ ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود.

▪ بنابر نظر افلاطون، با توجه به تمثیل غار و اعتقاد به عالم مثل، اگر بخواهیم این عالم را با عالم مثل مقایسه کنیم، این عالم، سایه آن عالم شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند حقایق آن را نظاره کند.

▪ از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است، به همین دلیل از نظر او، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را

❖ تدویم اعتبار حسی و عقل

- حکیم ابونصر فارابی (قرن سوم و چهارم هـ. ق) و شیخ الرئیس ابن سینا (قرن چهارم و پنجم هـ. ق) که از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان به شمار می آیند، مانند افلاطون و ارسطو، هم حسی و هم عقل را معتبر می دانستند.
- فارابی و ابن سینا برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد.
- فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.
- ابن سینا در یکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.
- توجه به شهود در فلسفه شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق (قرن ششم هـ. ق) . (سهروردی علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می رود).
- سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.
- بهره مندی از همه ابزارهای معرفت چندی بعد ملاصدرای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد.
- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

▪ **ملاصدرا** در کتاب «مبدأ و معاد» می گوید: **عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا** که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

▪ پس از ملاصدرا، فیلسوفان دیگر نیز این راه را ادامه داده و تکامل بخشیدند.

▪ بنابراین می توان گفت عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند.

▪ **فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.**

▪ علامه سید محمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: «صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد.

▪ **در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.**

▪ می دانیم که معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

❖ دو جریان فکری در دوره جدید اروپا

- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت.
- در این بحث و جدال فلسفی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟
- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند ، به « تجربه گرایان » و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به « عقل گرایان » مشهور شدند .
- بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.
- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود.
- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا.
- به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.
- بحث و گفت وگو میان این دو جریان ادامه داشت تا نوبت به کانت در قرن هجدهم میلادی رسید .
- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین این دو گرایش آشتی دهد و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
- کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.
- به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم قرار می دهد و درک می کند.
- به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.
- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد.
- یکی از این دیدگاه ها « پوزیتیویسم » یا « اثبات گرایی » است.

▪ از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. به اعتقاد ایشان، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ این امور اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت، ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.

▪ یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرده، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است.

▪ این دیدگاه، گرچه مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت و امروزه دیدگاه های دیگری در برابر آن مطرح گردیده است، اما در اکثر این دیدگاه ها، همچنان اصل و اساس تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در کسب معرفت مستقل از تجربه همچنان غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.

▪ رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

▪ توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد؛ زیرا

✓ اولاً تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد؛ مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا، وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند، زیرا توانایی آن محدود به حسی و تجربه بود.

✓ ثانیاً مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شود.

▪ یکی از این جریان ها، جریان نسبی گرایی است. نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

▪ نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

❖ ظهور پراگماتیسم

- پراگماتیسم همان مکتب اصالت عمل (مصلحت عملی) است.
- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت.
- پراگماتیست ها می گویند هدف ما کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.
- پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد؛ این تبعات را امروزه در جوامع مختلف می توانیم مشاهده کنیم .
- در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید.
- به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد.
- البته هنوز هم راه های دیگر معرفت، یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارند.
- برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند.
- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند .

سوالات تشریحی

۱- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد و چه مسائلی نظر فیلسوفان این دوره را به خود جلب کرده بود؟

اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی گردد. هر چند در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « ارزش شناخت » و میزان انطباق شناخت انسان با « واقعیت » از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۲- دیدگاه پارمیندیس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت حسی را بنویسید.

پارمیندیس از کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود.

۳- چرا پارمیندیس وجود حرکت را انکار می کرد؟

پارمیندیس معتقد بود که حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حسی برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حسی وجود دارد.

۴- دیدگاه هراکلیتوس در مورد شناخت حسی و حرکت را بنویسید.

به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است.

۵- چه کسانی اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال بردند و چرا؟

بی اعتباری حسی و عقل سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی شدند که نه از راه حسی و نه از راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.

۶- دیدگاه پروتاگوراس در مورد حقیقت را بنویسید.

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد؛ یعنی هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد. پس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

۷- ارسطو چگونه توانست مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود؟

ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود.

۸- با توجه به نظریه تمثیل غار افلاطون و اعتقاد وی به عالم مثل ، عالم طبیعت را با عالم مثل مقایسه کرده توضیح دهید چگونه می توان به حقایق دست یافت؟

بنابر نظر افلاطون، با توجه به تمثیل غار و اعتقاد به عالم مثل ، اگر بخواهیم این عالم را با عالم مثل مقایسه کنیم، این عالم، سایه آن عالم شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند حقایق آن را نظاره کند. از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است، به همین دلیل از نظر او، گرچه حسی اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را

۹- دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره اعتبار حسی و عقل و شناخت وحیانی و شهودی را بیان کنید .

فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حسی و هم عقل را معتبر می دانستند. آنان علاوه بر اینکه برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد، نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

۱۰- دیدگاه سهروردی درباره معرفت شهودی را بنویسید.

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۱۱- ملاصدرا چگونه توانست میان فلسفه و معرفت وحیانی یا میان عقل و وحی پیوند مستحکمی برقرار نماید؟

ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .

۱۲- دیدگاه ملاصدرا درباره ارتباط عقل و دین را توضیح دهید .

ملاصدرا در کتاب « مبدأ و معاد » می گوید : عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت انور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

۱۳- نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در برقراری پیوند مستحکم میان عقل و وحی را بنویسید.

علامه سید محمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: « صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .

۱۴- دو جریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت را نام ببرید .

تجربه گرایی و عقل گرایی

۱۵- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، بحث و جدال فلسفی، بیشتر بر سر چه موضوعاتی بود؟

در این دوره نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟

۱۶- در دوره جدید فلسفه در اروپا، حاصل نزاع فلسفی بیکن و دکارت پیدایش دو مکتب تجربه گرایان و عقل گرایان بود. دیدگاه این دو مکتب را بنویسید.

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند، به «تجربه گرایان» و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به «عقل گرایان» مشهور شدند.

۱۷- نخستین کسی که در دوره جدید فلسفه در اروپا، بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود چه کس بود و چه دیدگاهی داشت؟

بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود.

۱۸- تفاوت دیدگاه دکارت و بیکن در بحث معرفت شناسی، را توضیح دهید؟

دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، برخلاف بیکن به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و همچنین وی برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

۱۹- کانت برای آشتی دادن دو دیدگاه تجربه گرایی بیکن و دیدگاه عقل گرایی دکارتی چه اقدامی انجام داد و چه نظریه ای را مطرح کرد؟

کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین این دو گرایش آشتی دهد و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم قرار می دهد و درک می کند. به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.

۲۰- چه عاملی سبب پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله پیدایش مکتب پوزیتیویسم شد؟

تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد که یکی از این دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی» است.

۲۱- دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی» درباره مباحث معرفت شناسی را توضیح دهید .

از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. به اعتقاد ایشان، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ این امور اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت، ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.

۲۲- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرده، چه کسی بود؟

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرده، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است .

۲۳- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید .

رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

۲۴- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، در معرفت شناسی غربی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورده است؟

زیرا اولاً تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد؛ مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا، وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند، زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه بود. ثانیاً مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شود.

۲۵- نظریه نسبی گرایی در معرفت شناسی را توضیح دهید .

نسبی گرایی بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

۲۶- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به چه حوزه هایی راه یافت ؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۲۷- دیدگاه معرفت شناسی پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل در خصوص ملاک واقعی بودن یک عمل را بیان کنید.

پراگماتیست ها معتقد بودند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت. پراگماتیست ها می گویند هدف ما کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

۲۸- نام دو تن از فیلسوفان معاصر که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند، را بنویسید.

ویلیام جیمز و برگسون

۲۹- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|------------------|
| الف) منکر وجود جرکت | معرفت و حیانی |
| ب) تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. | پارمیندسی |
| ج) شناخت حسی را معتبر می دانست. | برگسون |
| د) اختصاص به پیامبران دارد. | هراکلیتوس |
| و) سهروردی بر این معرفت تاکید بسیاری داشت. | اثبات گرایی |
| هـ) پوزیتیویسم | اصالت عمل |
| ی) پراگماتیسم | معرفت شهودی |
| الف) پارمیندسی | د) معرفت و حیانی |
| و) معرفت شهودی | ج) هراکلیتوس |
| | ب) پارمیندسی |
| | هـ) اثبات گرایی |
| | ی) اصالت عمل |

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره بازمی گردد . **یونان**
- ۲- هر چند در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. **ارزش شناخت - واقعیت**
- ۳- پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کسانی بود که شناخت را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت ارزش قائل بود. **حسی - عقلی**
- ۴- پارمنیدس معتقد بود که وجود ندارد؛ زیرا از طریق حسی برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حسی وجود دارد. **حرکت**
- ۵- گروهی دیگر همچون هراکلیتوس فکر می کردند که شناخت معتبر است و به همین دلیل وجود را در عالم قبول داشتند. **حسی - حرکت**
- ۶- بی اعتباری حسی و عقل سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داد، اصل را زیرسؤال برده ومدعی شدند که نه از راه حسی و نه عقل، نمی توان به رسید. **امکان شناخت واقعیت - حقیقت**
- ۷- پروتاگوراس که طرز تلقی را داشت، می گفت حقیقت همان چیزی است که هر کس به آن گواهی می دهد. **سوفسطائیان - حواس**
- ۸- به نظر افلاطون، با توجه به تمثیل غار و اعتقاد به عالم مثل ، این عالم، آن عالم شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند آن را نظاره کند. **سایه - حقایق**
- ۹- از نظر افلاطون، ابزار فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با و شهود امکان پذیر است. **حسی - عقل**
- ۱۰- سهروردی بر.... تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق به صورت الهامات به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و نظام فلسفی خود را بر پایه آنها بنا نماید. **معرفت شهودی - شهودی**
- ۱۱- با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت ، ملاصدرا ، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت در کنار معرفت بهره ببرد. **شهودی - عقلی**
- ۱۲- ملاصدرا توانست پیوند مستحکمی میان و برقرار و اثبات کند که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .
فلسفه - معرفت وحیانی
- ۱۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت و هم برای معرفت اعتبار قائل اند. **حسی - عقلی**
- ۱۴- در دوره جدید ، فلسفه در اروپا از قرن ۱۶ با پیشگامی و آغاز شد. **فرانسیسی بیکن - دکارت**
- ۱۵- در قرن ۱۶ میلادی به توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، این مسئله در کانون مباحثات قرار گرفت. **معرفت شناختی - فلسفی**
- ۱۶- در قرن ۱۶ میلادی ، نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا ؟ **حس (تجربه) - استدلال عقلی**
- ۱۷- از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حسی و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت معتقد بود.
بیکن - تجربه

۱۸- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند ، به ...

.... و گروهی که به عقل و استدلال اهمیت می دادند، به ... مشهور شدند . **تجربه گرایان - عقل گرایان**

۱۹- به نظر بیکن، فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه

علوم در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. **ارسطو - تجربی**

۲۰- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد

بود انسان به طور معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و

وجود خدا. **عقلی - ذاتی**

۲۱- به اعتقاد دکارت انسان در فهم و نیازی به حس و تجربه ندارد. **نفس مجرد - وجود خدا**

۲۲- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین دودیدگاه بیکن و دکارت آشتی دهد و نشان دهد که معرفت،

حاصل همکاری و است. **حس - عقل**

۲۳- به نظر کانت، قوه انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و

تجربه به دست نمی آورد. **ادراکی - علیت**

۲۴- تلاش کانت برای آشتی دادن و به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد

که یکی از این دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «اثبات گرایی» است. **عقل گرایان - تجربه گرایان**

۲۵- از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری هستند که بشر به

عللی به آنها معتقد شده است. **تجربه - بی معنا**

۲۶- به اعتقاد پوزیتیویست ها ، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی ... و باشند.

حسی - تجربی

۲۷- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، است . **اوگوست کنت**

۲۸- رشد اندیشه ، به حاشیه رفتن جریان و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی مانند

فیزیک، شیمی، پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند. **نسبی گرایی ، عقل گرایی**

۲۹- توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، می تواند اشکالات نظری متعددی را پدید آورد؛ زیرا اولاً

تجربه توانایی هر مسئله ای را ندارد. ثانیاً مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و

تفاوتهای موجود در تجربه انسانهای مختلف، می توانست احکام تجربی را از میان ببرد. **تبيين، قطعیت**

۳۰- بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت

فرد دیگر متفاوت است. پس شناخت هرکس برای خود و نسبت به خود دارد. **نسبی گرایان - اعتبار**

۳۱- نسبی گرایی در ، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به در

هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید. **معرفت شناسی - نسبی گرایی**

۳۲- پراگماتیسم همان مکتب است و پراگماتیست ها معتقدند که از طریق نمی توان واقعیت را شناخت.

اصالت عمل (مصلحت عملی) - تجربه

۳۳- پراگماتیست ها می گویند هدف ما کشف نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما

بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی

بودن است. **واقعیت - درست**

۳۴- و از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان

اهمیت می دهند . **ویلیام جیمز - برگسون**

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی گردد. **درست**
- ۲- هر چند در دوره جدید، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « ارزش شناخت » و میزان انطباق شناخت انسان با « واقعیت » از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. **نادرست**
- ۳- هراکلیتوس از کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. **نادرست**
- ۴- پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد. **درست**
- ۵- به نظر پارمنیدس شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت قابل مشاهده حسی است. **نادرست**
- ۶- بی اعتباری حس و عقل سوفسطائیان به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه عقل، نمی توان به حقیقت رسید. **درست**
- ۷- به نظر، پروتاگوراس حقیقت چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد؛ هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد. **درست**
- ۸- به عقیده پروتاگوراس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. **درست**
- ۹- ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در مبارزه با سوفسطائیان برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود. **درست**
- ۱۰- باتوجه به نظر افلاطون، در نظریه تمثیل غار و اعتقاد به عالم مثل، عالم طبیعت، سایه عالم مثل شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر یعنی مثل راه یابد، می تواند حقایق آن را نظاره کند. **درست**
- ۱۱- از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است. **درست**
- ۱۲- به نظر افلاطون، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را. **درست**
- ۱۳- فارابی و ابن سینا فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان، مانند افلاطون و ارسطو، فقط عقل را معتبر می دانستند **نادرست**
- ۱۴- فارابی و ابن سینا برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. **درست**
- ۱۵- فارابی و ابن سینا اعتنایی به شناخت شهودی نداشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند. **نادرست**
- ۱۶- سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده، تبیین استدلالی کند و نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید. **درست**

۱۷- با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، ملاصدرای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد.

درست

۱۸- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. **درست**

۱۹- ملاصدرا پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند. **درست**

۲۰- ملاصدرا در کتاب «مبدأ و معاد» می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد. **درست**

۲۱- همه فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی و هم معرفت شهودی و وحیانی اعتبار قائل اند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند. **نادرست**

۲۲- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حسی و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند. **درست**

۲۳- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و کانت آغاز می شود، به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت. **نادرست**

۲۴- دکارت از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حسی و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. **نادرست**

۲۵- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. **درست**

۲۶- کانت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. **نادرست**

۲۷- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین دو گرایش عقل گرایان و تجربه گرایان آشتی دهد و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حسی است. **درست**

۲۸- کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و می تواند آنها را از راه حسی و تجربه به دست آورد. **نادرست**

۲۹- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد که یکی از این دیدگاه ها «پوزیتیویسم» یا «پراگماتیسم» است. **نادرست**

۳۰- از نظر پراگماتیست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. **نادرست**

۳۱- به اعتقاد پوزیتیویست ها ، تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند؛ و اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به حساب می آیند، درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند. **درست**

۳۲- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرده، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است. **درست**

۳۳- رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی. **درست**

۳۴- توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد؛ زیرا تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد؛ مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا، وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند، زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه بود. **درست**

۳۵- به نظر نسبی گرایان هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. پس شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. **درست**

۳۶- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید. **درست**

۳۷- پراگماتیسم همان مکتب اصالت عمل (مصلحت عملی) است و پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت. **نادرست**

۳۸- به عقیده پراگماتیست ها، هدف کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند. **درست**

۳۹- در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید. **درست**

۴۰- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. **درست**

۴۱- برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند. **درست**

۴۲- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند. **درست**

سوالات تستی

۱- در اولین دوره معرفت شناسی در یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح، و شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

(۱) بود - ارزش - واقعیت (۲) نبود - ارزش - واقعیت (۳) نبود - امکان - واقعیت (۴) بود - امکان - واقعیت
گزینه ۲

۲- کدام مطلب، به ترتیب تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد شناخت را به روشنی بیان می کند؟

(۱) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر نیست (۲) شناخت حسی معتبر نیست - فقط شناخت عقلی معتبر است
(۳) شناخت حسی معتبر نیست - شناخت حسی معتبر است (۴) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۳

۳- کدام مطلب، تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد حرکت را به روشنی بیان می کند؟

(۱) پارمیندس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
(۲) هراکلیتوس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
(۱) پارمیندس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است و شناخت حسی معتبر است
(۱) هراکلیتوس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل امری عقلی است و شناخت عقلی معتبر است.
گزینه ۱

۴- کدام گزینه بیانگر اساسی فلسفه پارمیندس است؟

(۱) شناخت حسی معتبر است - انکار حرکت (۲) شناخت حسی معتبر است - پذیرش حرکت
(۳) شناخت حسی معتبر نیست - انکار حرکت (۴) شناخت حسی معتبر نیست - پذیرش حرکت
گزینه ۳

۵- مهمترین عامل زیر سوال بردن اصل امکان شناخت واقعیت توسط سوفسطائیان چه بود؟

(۱) عدم توفیق فلاسفه نخستین یونان در حل مسئله ماده اولیه جهان (۲) یافتن اطلاعات گسترده درباره تمدن های دیگر
(۳) به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود (۴) بی اعتمادی نسبت به حواس
گزینه ۳

۶- کدام یک، با نظرات پروتاگوراس سازگار نیست؟

(۱) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد.
(۲) هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود.
(۳) حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد.
(۴) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند
گزینه ۴

۷- مفاد کدام عبارت، بیانگر نظر خاص پروتاگوراس است؟

(۱) ادراک حسی انسان ها را به امر ثابتی می رساند.
(۲) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.
(۳) انسان ها در مورد حقیقت باهم اختلاف نظر دارند .
(۴) هر چیزی که انسان درک کند، حقیقت است.
گزینه ۴

۸- کدام عبارت مثل افلاطونی را به درستی توصیف می کند؟

- (۱) سایه هایی از حقیقت برین اند. (۲) وجود موجودات در عقل هستند.
(۳) بدل موجودات طبیعی هستند. (۴) اصل و حقیقت هر موجود طبیعی اند. گزینه ۴

۹- محتوای کدام عبارت با تمثیل غار افلاطون سازگار نیست؟

- (۱) عالم طبیعت، سایه عالم مثل شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر مثل راه یابد، می تواند حقایق را نظاره کند.
(۲) ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است.
(۳) حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را نشان می دهد نه جهان برتر را
(۴) ابزار حسی معتبر نیست زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را
گزینه ۴

۱۰- از دیدگاه فارابی و ابن سینا، منابع معرفتی انسان کدامند؟

- (۱) حس - عقل - وحی (۲) وحی - حس - تجربه (۳) حس - عقل - شهود (۴) عقل - شهود - وحی
گزینه ۱

۱۱- تفاوت فارابی و ابن سینا با سهروردی در مورد معرفت شهودی کدام است؟

- (۱) فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را در تبیین فلسفی خود وارد کردند.
(۲) سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.
(۳) فارابی و ابن سینا بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کردند و کوشیدند، نظام فلسفی خود را بر پایه شهودها بنا نمایند.
(۴) سهروردی نیم نگاهی به شناخت شهودی داشت اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نکرد.
گزینه ۲

۱۲- کدام متفکر در قرن یازدهم هجری، فلسفه اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد؟

- (۱) قطب الدین شیرازی (۲) ملاصدرای شیرازی (۳) خواجه نصیرالدین طوسی (۴) علامه طباطبایی
گزینه ۲

۱۳- با توجه به نظر ملاصدرا کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

- (۱) نمی توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد زیرا فلسفه مطابق با کتاب و سنت خداوندی نیست.
(۲) تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.
(۳) عقل و دین در همه احکام با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد.
(۴) می توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد
گزینه ۱

۱۴- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نگرش کدام فیلسوف را درباره مبحث زیر پذیرفتند؟

« صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی و مواد قطعی دینی استفاده نمود.» پس عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

- (۱) علامه طباطبایی (۲) محی الدین عربی (۳) حضرت امام خمینی (۴) شیخ طوسی
گزینه ۱

۱۵- نخستین کسانی که در دوره جدید فلسفه در اروپا در قرن شانزدهم، مسائل معرفت شناسی را به طور منظم و جدی مورد بحث قرار دادند و سبب شد مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت، چه کسانی بودند؟

(۱) هیوم - کانت (۲) کانت - دکارت (۳) بیکن - دکارت (۴) کانت - بیکن گزینه ۳

۱۶- نخستین کسی که دوره جدید فلسفه در اروپا، در بحث معرفت شناسی بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد شد چه کسی بود؟

(۱) کانت (۲) دکارت (۳) بیکن (۴) هیوم گزینه ۳

۱۷- مهمترین ویژگی فرانسیسی بیکن چیست؟

(۱) تاکید بر عقل (۲) تاکید بر تجربه (۳) تاکید بر اشراق الهی (۴) تاکید بر شهود گزینه ۲

۱۸- کدام گزینه با توجه به اندیشه های بیکن درست است؟

(۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی، علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیازی به حس و تجربه ندارد.

(۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

گزینه ۱

۱۹- کدام گزینه با توجه به اندیشه های دکارت درست است؟

(۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی، علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیز نیازمند حس و تجربه است.

(۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

گزینه ۲

۲۰- بر اساس اندیشه های کانت کدام گزینه درست نیست؟

(۱) معرفت، حاصل همکاری عقل، حس و امور وجدانی و شهودی است.

(۲) قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

(۳) انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم ادراکی قرار می دهد و درک می کند.

(۴) انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس

است که یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند. گزینه ۱

۲۱- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد؟

(۱) پوزیتیویسم (۲) پراگماتیسم (۳) نسبی گرایی (۴) اصالت عمل گزینه ۳

۲۲- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای نخستین بار استفاده کرد،..... فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم بود.

(۱) کانت (۲) آگوست کنت (۳) ویلیام جیمز (۴) برگسون
گزینه ۲

۲۳- کدام یک جزء نظرات پوزیتیویسم شمرده نمی شود؟

- (۱) اموری که از طریق تجربه قابل ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است.
- (۲) اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی اند و اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به شمار می روند.
- (۳) اموری که از طریق تجربه اثبات می شوند، معرفت به حساب می آیند، در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند.
- (۴) تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند. گزینه ۴

۲۴- بر اساس فلسفه اثبات گرایی یا پوزیتیویسم شناختی معتبر و اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که ...

- (۱) قابل ارزیابی شهودی نبوده اما با کمک عقل عملی و اخلاق وجدانی اثبات شده است.
 - (۲) قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند و با استفاده از روش تجربی اثبات شوند.
 - (۳) با بررسی های محققانه فیلسوفان به اثبات رسیده باشد.
 - (۴) قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند در غیر این صورت ارزش معرفتی ندارند.
- گزینه ۲

۲۵- کدام مطلب نادرست است؟

- (۱) پوزیتیویسم مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت.
- (۲) امروزه دیدگاه های دیگری در برابر پوزیتیویسم مطرح گردیده است.
- (۳) در اکثر دیدگاه هایی که امروزه در برابر پوزیتیویسم مطرح شده، همچنان اصل و اساس تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در کسب معرفت مستقل از تجربه غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.
- (۴) امروزه نظر غالب فلاسفه اروپایی به حاشیه رفتن تجربه و توجه مجدد به استدلال عقلی است. گزینه ۴

۲۶- کدام مورد سبب رشد دانش هایی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؟

- (۱) رشد اندیشه مطلق گرایی - به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه
- (۲) رشد اندیشه نسبی گرایی - توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه
- (۳) رشد اندیشه نسبی گرایی - به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه
- (۴) رشد اندیشه مطلق گرایی - توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه **گزینه ۳**

۲۷- محتوای کدام عبارت با دیدگاه نسبی گرایان سازگار نیست؟

- (۱) هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.
 - (۲) به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »
 - (۳) هر چند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است اما این شناخت برای همگان معتبر است.
 - (۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.
- گزینه ۳

۲۸- اشکالاتی که به دلیل توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی وارد شد، در همه گزینه آمده است به جز

- (۱) تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه است.
- (۲) مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد
- (۳) واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شد و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شدند.
- (۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار خواهد داشت.

گزینه ۴

۲۹- منظور از پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب چیست؟

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| (۱) اصالت عمل - اثبات گرایی | (۲) اصالت ذهن - اثبات گرایی |
| (۳) اثبات گرایی - اصالت عمل | (۴) تجربه گرایی - اصالت ذهن |

گزینه ۱

۳۰- کدام مطلب، تمایز و یا تشابه مکتب پوزیتیویسم و پراگماتیسم در مورد شناخت تجربی را بهتر بیان می کند؟

- (۱) پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت.
- (۲) پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت.
- (۳) پراگماتیست ها و پوزیتیویسم ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت.
- (۴) پوزیتیویسم ها و پراگماتیست ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت.

گزینه ۱

۳۱- در معرفت شناسی پراگماتیسم نه تنها هدف کشف واقعیت بلکه ما نیازمند مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیانند و خود را نشان دهند و این فایده به معنی بودن است.

- | | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| (۱) است - باورهای - سودمندی - درست | (۲) نیست - تجربیات - آثار - درست |
| (۳) نیست - باورهای - سودمندی - درست | (۴) است - تجربیات - آثار - درست |

گزینه ۳

۳۲- معیار مکتب پراگماتیسم برای درستی یک گزاره چیست؟

- (۱) مطابقت با واقع (۲) مفید بودن در زندگی (۳) سازگاری درونی با محیط (۴) سازگاری بیرونی با محیط

گزینه ۲

۳۳- کدام عبارت درست نیست ؟

- (۱) پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد که امروزه در جوامع مختلف می توانیم آن تبعات مشاهده کنیم.
- (۲) در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های متعددی در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید.
- (۳) به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد.
- (۴) با وجود قالب های جدید امروزی، راه های دیگر معرفت مانند شهود عرفانی و وحی دیگر طرفدارانی ندارند.

گزینه ۴

۳۴- کدام فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند؟

- (۱) ویلیام جیمز - آگوست کنت (۲) ویلیام جیمز - برگسون (۳) برگسون - آگوست کنت (۴) بیکن - دکارت

گزینه ۲

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>